****

**تقابل اندیشۀ لائیک «لائیسم» و تدیّن در سوریه**

**مقدمه**

پرسش‏هایی اساسی دربارۀ چرایی و چگونگی انگیزه‏ها و زمینه‏های رویداد‏ها در سوریه مطرح شده است و پژوهشگران و مراکز مطالعاتی سوریه با دیدگاه‏ها و گرایش‏های متفاوت به این موضوع پرداخته و می‏پردازند. در این میان، شعارهای تند مذهبی و طایفه‏ای و ارتکاب جنایت‏های فجیع و غیرانسانی تحت شعارهای دینی و رواج اندیشۀ تکفیریان به‏نام اسلام، در‏خلال رویدادهای هشت سال اخیر به موضوع مناقشات و جدال‏های فکری میان نخبگان و اهل فکر و فرهنگ در سوریه تبدیل شده است. طبعاً بر این موضوع که دین و مذهب نقشی مهم و محوری در این رویدادها ایفا کرده است، اتفاق ‏نظر وجود دارد؛ ولی دربارۀ چگونگی و نحوۀ ایفای نقش آن و در‏نتیجه دربارۀ سیاست‏های درمان این مشکل اختلاف نظر مشاهده می‏شود و نخبگان و اهل فکر و فرهنگ سوریه به دو دستۀ کلی تقسیم می‏شوند. یک دسته بر این باورند که از دین سوءاستفاده شده و خوانش افراطی از دین طی سالیان متمادی به‏آرامی در لایه‏های زیرین جامعه توسط علمای سلفی با حمایت عربستان سعودی تبلیغ و ترویج شده و به‏ویژه محرومان و حاشیه‏نشینان را تحت‏تأثیر قرار داده و با فراهم‏آمدن زمینۀ طغیان و شورش در جامعه، از آن‏ها برای تحقق اهداف سیاسی استفاده شده است. این دسته، راهکار مقابله با این وضع را تبلیغ خوانش اعتدالی و متسامح از دین می‏دانند که وزارت اوقاف سوریه اعم از وزیر اوقاف و علمای وابسته به وزارت اوقاف و بخشی از نخبگان در این طرز فکر قرار دارند. دستۀ دیگر که عموماً نخبگان لائیک هستند، دین را بالقوه حامل عوامل افراط و تکفیر می‏دانند و معتقدند به دلیل اینکه در نگاه دینی افراد و جامعه به مؤمن و کافر تقسیم می‏شوند، زمینۀ ایجاد خوانش‏های افراطی و نفی دیگران و ظهور جریان تکفیری در اندیشۀ دینی وجود دارد و آنان علاج را در محدود‏کردن دین به امور شخصی و حذف آن از برنامۀ آموزش عمومی و خودداری از هرگونه برنامه‏ریزی که موجب تقویت گرایش دینی شود، می‏دانند. سوریه هم‏اکنون صحنۀ تقابل این دو نگرش است. در این گزارش به بخشی از این تقابل میان دو نگرش فوق‏الذکر و همچنین چالش بازخوانی تعاریف اندیشۀ دینی و اندیشۀ لائیک می‏پردازیم.

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

مرحلۀ پساجنگ در سوریه، که همراه با کم‏رنگ‏شدن سایۀ جنگ در بیشتر مناطق سوریه و کاهش نگرانی‏های امنیتی و افزایش ثبات شده، فضای مناسب برای احیای بحث‏ها و مناقشات فکری میان اهل اندیشه و فرهنگ در سطوح مختلف جامعۀ سوریه شده است. این بحث‏ها و مناقشات نه‏تنها به مراکز پژوهشی و محافل نخبگان محدود نشده، بلکه به فضای مجازی و شبکه‏های اجتماعی کشانده شده است؛ لذا از یکی دو سال گذشته هر از چند گاه شاهد داغ‏شدن یکی از موضوعات در سطح عمومی سوریه هستیم. آنچه بیش از سایر موضوعات، مناقشه‏برانگیز است، مباحث مربوط به جایگاه دین در جامعه و بازتعریف کارکرد اجتماعی آن است که مناقشه در حوزۀ سکولاریزم و اندیشۀ لائیک و بازتعریف آن متناسب با شرایط کنونی سوریه را به دنبال می‏آورد؛ به‏ویژه آنکه سوریه خاستگاه مهم ظهور اندیشۀ ناسیونالیسم عربی و مهد زایش حزب بعث بوده و این حزب با ماهیت لائیک، به‏عنوان حزب واحد حاکم، حدوداً نیم قرن اخیر را بر سوریه حکومت کرده است.

چندی پیش آقای نبیل صالح، نمایندۀ مردم لاذقیه، در پارلمان سوریه (مجلس‏الشعب)، با انتشار مطلبی در صفحۀ فیسبوک خود، بحث و مناقشۀ زیادی را برانگیخت. او نمایندۀ مستقل، یعنی غیر عضو در حزب بعث و از چهره‏های سرشناس و جنجالی لائیک در سوریه و بسیار فعال در فضای مجازی می‏باشد. نبیل صالح در نوشته‏اش ادعای اخراج چند عضو حزب بعث از حزب را به‏دلیل ارتباط و انتساب به یک تشکل لائیک با عنوان «التحالف السوری العلمانی» مطرح کرد و به‏شدت به آن اعتراض کرد و سپس پرسید:

«آیا لائیک‏بودن تبدیل به تهمتی شده است که هرکس به آن باور داشته باشد، از حزب بعثی که جمعی از اندیشمندان لائیک سوریه آن را تأسیس کرده‏اند، اخراج می‏شود؟ آیا آیین‏نامۀ داخلی حزب بعث اجازه می‏دهد اعضایش بدون اطلاع یا هشدار قبلی و بدون تحقیق و درنظرگرفتن سابقه‏شان اخراج شوند؟ پس از سخنان مثبت بشار الاسد (رئیس‏جمهور) دربارۀ ویژگی‏های اندیشۀ لائیک سوریه و تعارض‏نداشتن آن با دین، ناگهان از اقدام دفتر تشکیلات رهبری مرکزی حزب بعث در اخراج 9 نفر از اعضای حزب به‏دلیل انتساب به التحالف العلمانی السوری غافل‏گیر شدیم.»

نمایندۀ مردم لاذقیه در ادامه افزود:

«ما با دیدۀ شک به تمایل برخی اعضای رهبری حزب بعث برای اسلامی‏کردن حزب می‏نگریم. اینان ائتلاف‏هایی اخیراً انجام داده‏اند که بسیاری از اعضای حزب آن را تقبیح کرده‏اند و خود را در خلال معرکۀ قانون وزارت اوقاف نشان دادند. در این معرکه، لائیک‏های سوریه هم‏پیمان شدند تا مانع از اسلامی‏کردن مؤسسات دولتی گردند؛ در حالی که برخی رهبران حزب علیه ما موضع گرفتند و در‏نهایت رئیس‏جمهور قانون شمارۀ 16 وزارت اوقاف را ابطال و با قانون تعدیل‏شده موافقت کرد.»

معرکۀ قانون وزارت اوقاف، که آقای نبیل صالح به آن اشاره کرد، یکی از تقابل‏های جدی و پرسروصدای دو نگرشی است که در این نوشتار به آن می‏پردازیم؛ ضمن آنکه آقای نبیل صالح در انتقال این موضوع به سطح جامعه نقش فعالی ایفا کرد. سال گذشته، قانون سامان‏دهی امور دینی در سوریه با عنوان «مرسوم 16» را دولت تهیه کرد و به امضای رئیس‏جمهور رساند و لازم‏الاجرا شد و در‏نهایت، جهت اطلاع در مجلس مطرح شد. در این قانون وزارت اوقاف مسئول سامان‏دهی و نظارت بر تمامی فعالیت‏های دینی در سوریه تعیین شده بود. آقای نبیل صالح با انتشار یادداشتی در صفحۀ فیسبوکش در‏برابر این قانون موضع گرفت و ادعا کرد که این قانون در ظاهر برای تجدّد، به‏روزسازی امور و مبارزه با تروریسم وضع شده؛ ولی در باطن وزارت اوقاف را به‏مثابۀ مؤسسه‏ای مستقل از دولت تثبیت کرده‏ است و قدرت وزیر اوقاف را افزایش می‏دهد به‏گونه‏ای که بزرگ‏تر از وزارتخانه‏اش می‏شود. این قانون اجازه می‏دهد که وزارت اوقاف بر مؤسسات مالی و تربیتی حاکم شود و تولیدات هنری و فرهنگی را کنترل کند و فعالیت دینی را دولتی سازد و به فعالیت گروه دینی جوانان (وابسته به وزارت اوقاف) برخلاف قانون اساسی مشروعیت می‏بخشد. آقای نبیل صالح از مجموعۀ مطالب نتیجه‏گیری کرده بود که قانون جدید خواهان افزایش مدارس، معاهد و دانشگاه‏های علوم دینی است، طوری که انگار از نظام دینی سعودی کپی‏برداری می‏کند. او این قانون را کودتایی علیه دولت لائیک محسوب کرده بود.

این نوشتار آقای نبیل صالح، که خود نمایندۀ مجلس است، بازتاب گسترده‏ای در پی داشت و مناقشۀ زیادی بین موافقان و مخالفان برانگیخت و موج بی‏سابقه‏ای از اظهارنظر دربارۀ یک قانون ایجاد کرد، به‏گونه‏ای که خانم «مجد نیازی» رئیس حزب «سوریاالوطن» حزب‏های معارض داخل سوریه را به تظاهرات در جلو ساختمان پارلمان دربرابر وزارت اوقاف فراخواند. البته گفته شد این فراخوان پس از انتشار فیلمی از یک عالم دین به‏نام «محمد خیرالشعال» در فضای مجازی صورت گرفته است که انتقاد گسترده‏ای در پی داشته و برخی آن را فتنه‏انگیز دانستند.

خانم نیازی در مصاحبه با یکی از سایت‏های خبری سوریه گفت: «برخی عالمان دینی مسیحی از قبول مسئولیت دربرابر آنچه در سوریه برای برگرداندنش به عصر وهابی اتفاق می‏افتد، شانه خالی می‏کنند.» وی همچنین افزود: «حزب «سوریاالوطن» در حال آماده‏سازی یادداشتی در محکومیت تصرفات بعضی علمای دین و تلاش برای هیمنۀ وزارت اوقاف بر شریانات دولت است.»

آقای نبیل صالح پس از چند روز، یادداشت دیگری منتشر و اعلام کرد که نسخه‏ای از قانون «مرسوم 16» دریافت کرده که 37 صفحه است و در آن فقط نظارت وزارت اوقاف بر تولیدات فرهنگی و هنری حذف شده است و بقیۀ مواد حفظ شده‏اند که برخی از آن‏ها مخالف قانون کار و قوانین مالی و نظارتی سوریه هستند. او سپس به مواردی از این قانون اشاره کرده؛ از جمله ماده‏ای که به وزیر اختیار ایجاد شعبه‏ای از وزارتخانه در هر شهر، شهرستان، بخش، ناحیه و ... را می‏دهد و هدف از ایجاد این کانون‏های سَلَفی در واحدهای اداری مشخص نیست. نبیل صالح پرسیده بود که آیا هدف، اسلامی‏سازی مؤسسات و هیمنه بر زندگی اجتماعی با تنوع دینی و مذهبی سوریه است؟ او در ادامه با اشاره به ماده‏ای که موجب تثبیت گروه دینی جوانان و مشروعیت آنان در وزارتخانه می‎‌شود، پرسیده بود که منظور از گروه دینی جوانان چیست؟ آیا دانش دینی جوانی، ایمان جوانی، حج جوانی و نماز جوانی داریم؟ و افزوده بود: «بر این باوریم که این نام‏گذاری نوعی پوشش است برای مشروعیت‏دادن به فعالیت گروه دینی امر به معروف و نهی از منکر، که ما را به‌یاد آغاز فعالیت‌های جماعت اخوان‏المسلمین در مصرِ 80 سال پیش می‏اندازد و اصولاً مخالف مادۀ هشتم قانون اساسی است.» وی با اشاره به ماده‏ای که به نشر فرهنگ اعتدال دعوت می‏کند، افزوده بود: «فرهنگ اعتدال تعریف نشده است؛ در حالی که همۀ گروه‌های اسلامی خودشان را معتدل و سایرین را افراط‏گرا محسوب می‏کنند، حتی اخوانی‏ها هم در مقایسه با وهابیت، خود را معتدل می‏دانند. چه خوب می‌شد‌ اگر این ماده بدون اینکه دین را سیاسی‏ کند، آن را معتدل را تعریف می‏کرد که منحصر به مقاصد ایمان بشود؛ چون سیاسی‏کردن دین باعث تجمع سقیفه بنی ساعده شده و این مذاهب متناقض و جنگ‏های بی‏ثمر را برای ما ایجاد کرده است.»

البته کسانی هم در همان زمان به مطالب این نماینده مجلس پاسخ داده و یکی از حقوق‏دانان مطالب آقای نبیل صالح را مغالطات قانونی محسوب کرد. در این میان یادداشت شخصی به‏نام «نضال معلوف» در سایت «سیریا نیوز» با عنوان «چه‏کسی منصب رهبر معظم را در سوریه در اختیار خواهد گرفت؟ اسد یا سید ... ؟» جلب‏توجه کرد؛ زیرا به بهانۀ پرداختن به این قانون، پای ایران را به میان کشیده بود. «سیریا نیوز» سایت خبری معارض در داخل سوریه است. آقای معلوف در بخشی از یادداشت خود می‏نویسد: «اینکه نبیل صالح قانون «مرسوم 16» را کپی‏برداری از نظام دینی سعودی برشمرده، با درنظرگرفتن اعتبارات طایفه‏ای و سیاسی است، به همین دلیل نگفته نسخه‏برداری از نظام ایرانی در سوریه؛ در حالی که کپی‏برداری از تجربۀ ایران به منطق و واقعیت نزدیک‏تر است. سعودی دشمن نظام است و منطقی نیست نظام دشمن نسخه‏برداری و اعمال شود، بلکه منطقی است که نظام حکومتی ایران توسعه داده شود تا نظام حاکم در سوریه را نیز در بر بگیرد.

نفوذ در حال گسترش ایران در مؤسسات اداری و نظامی سوریه و نقش ایران به‏عنوان شریک در تصمیمات کوچک و بزرگ بر کسی پوشیده نیست. این شراکت با خون امضا شده است و نمی‏توان از آن شانه خالی کرد. ایران شریکی است که خون ریخت و در همۀ جبهه‏ها فداکاری کرد و مأموریت سخت نابودی دشمنان نظام سوریه را انجام داد؛ به همین دلیل شراکتش اجتناب‏ناپذیر شده است. این شریک بزرگ که به اعتراف خود نظام (سوریه) قدرت بزرگ منطقه‏ای است، حتماً نظام اداری‏اش را به شریک کوچک‏تر که نتوانسته ثبات و نظام لائیکش را حفظ کند، صادر خواهد کرد. آقای معلوف در ادامه یادآور می‏شود که در این موضوع نمی‏توان به روسیه امید بست؛ چراکه روسیه می‏تواند برای محدودکردن نفوذ نظامی ایران دخالت کند. البته باید یاد‏آور شد که ایران به‏هیچ‏وجه در ادارۀ امور مدنی سوریه دخالت نخواهد کرد.

این جنجال‏ها آقای محمد عبدالستار السید وزیر اوقاف را به مصاحبه‌ای برای پاسخ‏گویی به مطالب مطرح‏شده در فضای مجازی وادار کرد که البته انعکاس محدودی داشت و حتی رسانه‏های دولتی نیز یا به آن نپرداختند یا خیلی کم‏رنگ به آن پرداختند. او در این مصاحبه اظهار داشت که این قانون (مرسوم 16) برای به‏روزکردن قوانین قدیمی وزارت اوقاف است و این کاری است که وزارتخانه‏های دیگر هم انجام می‏دهند. ما در دولت مؤسسات به سر می‏بریم و وزارت اوقاف یکی از مؤسسات دولت سوریه است. وزارت اوقاف حامی ارتش سوریه بوده و با هجوم دشمنان به مقابله با آنان پرداخته و حتی شهدایی نیز تقدیم کرده است که در رأس آن‏ها شهید محمد سعید رمضان البوطی می‌باشد. موضوع وجود مفتی در هر واحد اداری، دروغ است. برای نخستین بار در سوریه سامان‏دهی فعالیت دینی و مؤسساتی‏کردن آن قانونی می‏شود و در متن قانون، مقابله با اندیشۀ تکفیری و افراطی مانند وهابیت و اخوان‏المسلمین خیلی صریح آمده است. وزارت اوقاف با همکاری وزارتخانه‏های اطلاع‏رسانی، فرهنگ و آموزش‏وپرورش، بر متون دینی که در منشوراتشان وجود دارد برای کشف هر اندیشۀ تکفیری که احتمالاً وجود داشته باشد، نظارت می‏کنند. مجلس علمی ـ فقهی اعلا متشکل از بیست تن از بزرگ‏ترین علمای مذاهب موجود در سوریه می‏باشد که به بحث و بررسی مشترک امور فقهی می‏پردازند. یکی از مأموریت‏های این مجلس پی‏ریزی امتحان از ائمه و سخنرانان دینی و پیگیری فتواهایی است که بی‏ضابطه صادر می‏شوند. تشکیل این مجلس در وزارت اوقاف موفقیت بزرگی است؛ زیرا تأکیدشان بر مرجعیت اندیشۀ علمای بلاد شام است نه علمای سایر کشورها. در این مجلس نمایندگان تمام مذاهب اسلامی و همچنین از طوایف مسیحی حضور دارند و به مهار تعصب و طایفه‏گری کمک می‏کنند. مجلس علمی ـ فقهی اعلا برای مدیریت حساسیت‏های مذهبی است که دشمنان همواره بر روی آن کار می‏کنند. وزیر اوقاف در ادامۀ این مصاحبه افزوده بود: «دشمنان سوریه خواهان ثبات و آرامش در سوریه نیستند و نمی‏خواهند این قانون عملی گردد. این قانون، قانونی ملی و درجه یک است و در فعالیت دینی در جهان اسلام بی‏سابقه است.»

سخنان وزیر اوقاف تأثیری بر مخالفان و منتقدان قانون مورد بحث نداشت و موضوع را همچنان پیگیری می‌کردند. روزنامۀ الوطن، تنها روزنامۀ سراسری غیردولتی سوریه، روز پنجشنبه 11نوامبر2018 طی گزارشی در صفحۀ اول خود نوشت: «در اقدامی بی‏سابقه و تاریخی در عمر مجلس الشعب (پارلمان) که نقش مؤسسات را تثبیت می‏کند و بر احترام به اصول و مبادی قانون اساسی تأکید و ارزش‏های دمکراسی را تقویت می‏کند، دوسوم نمایندگان مجلس تغییرات پیشنهادی کمیسیون مشترک در قانون وزارت اوقاف (مرسوم 16) را تصویب کردند. رئیس مجلس پس از رأی‏گیری، تصویب تغییرات را اعلام کرد و افزود که این تغییرات در قانون اعمال می‏شود و برای رئیس‏جمهور ارسال می‏گردد تا پس از تأیید، آن را برای اجرا ابلاغ کند.»

روزنامۀ الوطن در پایان این گزارش خود افزوده بود که بازبینی و تغییر مرسوم جمهوری (قانونی که به امضای رئیس‏جمهور رسیده است) بی‏سابقه است و دلالت دارد بر منش رئیس‏جمهور و تأکید ایشان بر ضرورت تثبیت دمکراسی و اقدام مؤسساتی و شنیدن نظرات دیگران و اصلاح اشتباه در هرجا که اتفاق افتاده باشد با هدف خدمت به مصلحت عمومی و دولت.

در مجموع، جریان لائیک سوریه در معرکۀ قانون وزارت اوقاف، خود را پیروز میدان حس کرد و در مقابله با هر گرایش یا برنامه‏ای که موجب تضعیف اندیشۀ لائیک و یا تقویت جریان دینی شود، جدی‏تر شد. حال، این جریان حزب بعث را متهم به مماشات با گرایشات دینی و همکاری با جریانات دینی می‏کند که از نظر این جریان با ماهیت لائیک حزب بعث در تضاد است. حزب بعث به این ادعاها واکنش محکم و گسترده‏ای نشان داد. برخی از نمایندگان مجلس سوریه از حزب بعث، طی سخنان پیش از دستور خود، در جلسات مجلس پاسخ‏های تندی به آقای نبیل صالح دادند. آن‏ها او را به آشنایی‌نبودن با الفبای سیاست توصیف کردند. یکی از نمایندگان بعثی اظهار داشت که ما حق نداریم هیچ دینی را متهم به افراطی‏گری بکنیم و یا اقداماتی غیر‌عقلی‌ که ربطی به آن دین ندارد به آن نسبت دهیم. یکی دیگر از نمایندگان بعثی گفت: «مطالب نبیل صالح خط قرمز را زیر پا گذاشته است. همۀ ما به آزادی بیان و اظهارنظر معتقدیم؛ ولی اجازه نمی‏دهیم به حزب ریشه‏داری که دربرابر توطئۀ جهانی علیه سوریه مقاومت کرد، اتهام زده شود.

یکی دیگر از نمایندگان اظهار کرد:

«آقای نبیل صالح از اختلافات خیالی میان انتساب به هر حزبی و انتماء دینی صحبت می‏کند؛ در حالی که این اختلاف فقط در ذهن ایشان وجود دارد. یکی از نمایندگان نیز با اظهار به اینکه از زمان استقلال سوریه، در قانون اساسی، شهروندان در حقوق و مسئولیت‏ها برابر محسوب شده‏اند، همۀ احزاب، به‌ویژه حزب بعث، با اندیشه‏های ویرانگر تروریستی که هدفشان تفرقه میان شهروندان است‏، مبارزه کرده‏اند. حال آیا اندیشۀ لائیک پوششی شده برای افراطی‏گری و وسیله‏ای شده است برای تهاجم به ادیان؟ این عکس‏العمل تند، که فقط به بخش کوچکی از آن اشاره شد، بیانگر حساسیت حزب بعث به موضوع ارتباط اندیشۀ لائیک با انتماء دینی است و از تلاش حزب برای بازتعریف مفهوم اندیشۀ لائیک، متناسب با شرایط و تحولات جاری جامعه نشان دارد.»

انتشار گزارش‏های مفصلِ این مواضع در روزنامۀ الوطن شمارۀ 3165 مورخ 10/6/2019، که امری بی‏سابقه‏ محسوب می‏شود، بر این دلالت دارد که روشنگری افکار عمومی برای طرفی که به آن حمله شده نیز مهم است. روزنامۀ الوطن مهم‏ترین و تنها روزنامۀ سراسری غیردولتی سوریه محسوب و گفته می‏شود که بیش از روزنامه‏های رسمی توزیع شده و خواننده دارد و تأثیرگذاری‏اش نیز بیشتر است.

حزب بعث تنها به پاسخ‏گویی اکتفا نکرد و با عنایت به اهمیتی که برای این بحث قائل شد، با انتشار یادداشت‏ها و برگزاری همایش‏هایی به تبیین مفهوم لائیک و ارتباط آن با دین پرداخت. آقای دکتر مهدی دخل الله، عضو رهبری مرکزی حزب بعث و رئیس دفتر بازآموزی فرهنگ و رسانۀ حزب، چند یادداشت در روزنامۀ البعث شمارۀ 16371 مورخ 12/6/2019 منتشر و تلاش کرد نگاه و تعریف حزب بعث از اندیشۀ لائیک را ارائه کند. او در یادداشتی با عنوان «داعشی‏گری لائیک» نوشت:

«چه‏بسا خطر داعشی‏گری لائیک به‏اندازۀ خطر داعشی‏گری دینی باشد. طرز فکر و نحوۀ اقدام این دو یکی است و تفاوت فقط در چاقوی در دست و آمادگی برای ذبح‏کردن می‏باشد. این روش محکوم به دگماتیسم است؛ یعنی التزام به اعتقادات مطلق و مقدس که هیچ امکان اشتباه در آن نمی‏رود. اعتقاداتی فراتر از واقعیت... داعشی‏گری لائیک درمقابل داعشی‏گری دینی و یا شاید بهتر است بگوییم تکفیری‏گری لائیک درمقابل تکفیری‏گری دینی قرار دارد. منطق هر دو مبتنی بر نفی و تکفیر است. منطق بی‏منطقی. همان طور که داعشی‏گری دینی موجب نفی دین می‏شود، داعشی‏گری لائیک هم موجب نفی جوهر اندیشۀ لائیک می‏گردد... . دین اندیشۀ لائیک را نفی نمی‏کند و اندیشۀ لائیک نیز دین را نفی نمی‏کند؛ هر یک از این دو مجال و گسترۀ خود را دارند. شخص لائیک می‏تواند متدین باشد و همین طور متدین هم می‏تواند لائیک باشد. یک بار، در یکی از نشست‏های گفت‏وگومحور میان نمایندگان یک مؤسسۀ دینی و جمعی از لائیک‏ها، چیز عجیبی دیدم. بعضی از لائیک‏ها، لائیک داعشی بودند ولی در مقابل، با کمال تعجب، متدین‏ها با آرامش و با التزام به فرهنگ گفت‏وگو، با لائیک‏ها گفت‏وگو کردند و به آن‏ها گفتند ما مثل شما لائیک هستیم؛ ولی مؤمن و متدین نیز هستیم و این دو با هم تعارض ندارد. ولی پاسخ قهرمانان داعشی‏گری لائیک نپذیرفتن این نگاه بود. ... تصور می‏کنند می‏دانند ولی این‌طور نیست. آنان نمی‏دانند که نظریۀ فرانسوی به‏عنوان اولین دعوت‏کننده به لائیسم، آن را مشروط به الحاد نمی‏کند، بلکه آن را جداسازی دین از دولت، با هدف حمایت از دین و حفظ آن از آفات سیاست، می‏داند. ایمان‏داشتن یا نداشتن مسئله‏ای کاملاً شخصی است. حتی نام حزب لائیک حاکم بر آلمان، حزب دمکراتیک مسیحی می‏باشد. همۀ دولت‏های اروپایی به مؤسسات دینی احترام می‏گذارند. آیا ما باید بیش از پادشاه سلطنت‏طلب باشیم؟ اصلاً برگردیم به عصر دولت اسلامی اول در مدینه، آیا شاهد پدیدۀ شهروندی فارغ از دین نبودیم؟ آیا دولت‏های اموی و عباسی به زور شمشیر در شرق و غرب عالم توسعه نیافتند؟ در حالی که این کار در دین، منکر و در اندیشۀ لائیک مقبول است. خداوند به بندگانش دستور داده است با کسانی که با شما می‏جنگند، فقط در دفاع از خود با آنان بجنگید و به آن‏ها دستور داده که اعتداء نکنند و «إنّ الله لایحب المعتدین»، به همین دلیل دولت‏های اموی و عباسی با دنیا به‏شیوۀ سیاسی لائیک رفتار کردند و نه به‏شیوۀ دینی تبشیری.»

آیا لائیسم به‌شیوۀ داعشی تفکر و بصیرت انسان را کم نمی‌کند یا شناخت آدمی را از دنیا و تاریخ کاهش نمی‌دهد؟ دکتر دخل الله مدتی بعد یادداشت دیگری با عنوان «یک بار دیگر... پیرامون داعشی‏گری» در روزنامۀ البعث شمارۀ 16401 مورخ 24/7/2019 منتشر کرد و در آن نوشت:

«آیا تعریفی برای داعشی‏گری وجود دارد؟ شاید به معنای فرورفتن در افراطی‏گری است تا حد کشتن اگر ممکن باشد و آرزوی مرگ برای مخالف اگر کشتن ممکن نباشد. بر این اساس، داعشی‏گری در معنای غلو و تندروی در هر گرایش فکری و عملی انسان وجود دارد؛ داعشی‏گری حزبی، اسلامی، مسیحی، بودایی، لیبرالی، کمونیستی و هرآنچه به ایسم ختم می‏شود؛ به‌خصوص لائیسم. اگر کسی غیر از این اعتقاد داشته باشد، غلوکننده در تندروی است. طبعاً این به آن معنا نیست که هر حزب‏گرایی یا اسلام‏گرایی یا لیبرالیسم و... داعشی‏گری است که در این صورت نیازی به اندیشه‏ها و گرایشات نبود. من مجبورم این حقایق ساده را بگویم؛ چون ظاهراً برخی متدین‏ها گمان کرده‏اند که تمام دین متهم به داعشی‏گری است و براساس همین فرض، از آن دفاع کردند و تعداد اندکی از لائیک‏ها که بازگشت به منطق را فراموش کرده‏اند، گمان بردند که تمام لائیسم متهم به داعشی‏گری است و همچنین تعدادی از حزبی‏ها و... . اعتقاد به وجود اندیشه‌ای که از تندروی در امان است، خودش فرورفتن در تندروی می‌باشد و این یعنی داعشی‏گری؛ فرقی نمی‏کند شکل و مضمون این اندیشه چه باشد. اساس مشکل در فرهنگ گفت‏وگو است که نمی‏شناسیمش و به آن عادت نکرده‏ایم. آغاز هر چیزی همواره سخت است. ما به نفی دیگری و کشتن او، هرچند نه در عمل بلکه در تمایل به کشتن، عادت کرده‏ایم و جزئی از ما شده است و به نظر می‏رسد جداشدن از این پابند، که ما را به خود معتاد کرده است، بسیار مشکل است. برای اینکه اهل گفت‏وگو باشم، اقرار می‏کنم این ویژگیِ فقط طرف مقابل ما نیست، بلکه ویژگی من هم می‏باشد. ... فرهنگ گفت‏وگو فرهنگی انسانی است؛ چون تعدد انسانی را به رسمیت می‏شناسد و فرهنگی ملی است؛ چون تعدد بنیان ملی را به رسمیت می‏شناسد... هدف گفت‏وگو پذیرفتن نظر یک طرف از سوی طرف دیگر و درنتیجه هم‏نظرشدن نیست. هدف گفت‏وگو شناخت و پذیرش دیگری برای کامل‌شدن خودم است؛ زیرا دنیا فقط برای من نیست، بلکه برای من و اوست.»

رسانه‏های سوریه اعم از مجازی و سنتی شاهد یادداشت‏ها و مطالب متعدد در این زمینه بوده‏ و هستند؛ ولی اهمیت یادداشت‏های دکتر دخل الله در این است که نه نظر شخصی او، بلکه منعکس‏کنندۀ موضع حزب است و این به‏خاطر جایگاه حزبی او می‏باشد که عضو رهبری مرکزی حزب و مسئول امور فرهنگی و رسانه‏ای و آموزش کادرهای حزب بعث است. علاوه بر این یادداشت‏ها، حزب بعث نشست‏ها و همایش‏هایی نیز در همین راستا و به هدف ارائۀ تصورش از مفاهیم لائیسم و تدین و رابطۀ میان این دو برگزار کرده و می‏کند؛ مثلاً شعبۀ حزب بعث در شهر حلب و دانشگاه حلب، نشستی گفت‏وگومحور با عنوان «ویژگی‏های اندیشۀ لائیک در سوریه و اهداف آن» برگزار کرده‌ است که در خلال آن شخصیت‏ها و نخبگان حاضر در نشست، از جمله دکتر مهدی دخل الله، دربارۀ ویژگی‏های اندیشۀ لائیک و ارتباط آن با تدیّن و ایمان و همچنین ارتباط دولت با این دو، سخنرانی کردند. روزنامۀ البعث شمارۀ 16400 مورخ 23/7/2019 گزارش این همایش را منتشر کرد. دکتر دخل الله در این نشست مجدداً بر این مطلب تأکید کرد که سوریه دولتی لائیک است، البته لائیک‌بودن آن مربوط به سامان‏دهی کار سیاسی و اداری و اجتماعی کشور است بدون هیچ‏گونه دخالت دین در مؤسسات دولتی و گرایشات و مسئولیت‏های اجتماعی آن‏ها.

دکتر بیان داشت: «هدف لائیسم در سوریه تقویت وحدت ملی و حمایت از حقوق انسان و حفاظت از استقلال و حاکمیت ملی می‏باشد. در این نشست دکتر علی عکام، رئیس دانشکدۀ شریعت دانشگاه حلب، اظهار داشت: "حرکت به‏سوی خدا باید از دروازۀ آدمی صورت پذیرد. باید تقدّس دین و تقدّس کرامت انسانی و محافظت از حرمت وطن را دور از سیاست نگه داشت." باید مسلح به آگاهی شویم و میدان علمی مستقلی را برای سامان‏دهی زندگی عمومی تأسیس کنیم».

در ادامۀ این فعالیت‏ها و در همین راستا یک نشست گفت‏وگومحور نیز، در شهر سویداء در جنوب سوریه، به اسم «وجوه تکامل میان عروبت و اسلام» برگزارشد که جمعی از نخبگان، از جمله دکتر عبداللطیف عمران مدیرکل دارالبعث (بخش رسانه‏ای حزب بعث)، در آن سخنرانی کردند. دکتر عمران با اشاره به مجادلۀ رابطه میان عروبت و اسلام و پرسش‏های تاریخ و واقعیت (وضعیت موجود) و آینده، افزود پاسخ به این پرسش‏ها چه‏بسا تلخ باشد؛ ولی نباید از آن فرار کنیم، بلکه باید با گفت‏وگو و پیگیری بر اهمیت ارتباط پویا میان عروبت و اسلام تأکید کنیم؛ زیرا مشروعیت روشنفکران و حزبی‏ها و قوای قانون‏گذاری و اجرایی در این ارتباط و طرح اشکالات متعدد، از جمله در حوزۀ تکامل این رابطه و یا وجود مفاهیم مرتبط با آن از جمله دو موضوع شهروندی و لائیسم، می‏باشد. روزنامۀ البعث هر از چند گاهی گزارش نشست‏هایی با عناوین مرتبط با این موضوعات منتشر می‏کند که نشان از اهمیت موضوع و استمرار در پرداختن به آن دارد.

به نظر می‏رسد پرداختن حزب بعث به بحث عروبت از الزامات این مرحله باشد؛ زیرا ناسیونالیسم عربی که از اصول تشکیل‏دهندۀ حزب بعث است، بر اندیشۀ لائیک بنیان نهاده شده و تاریخ حزب بعث مملو از چالش و تقابل با تدیّن و به‏ویژه اسلام‏گرایی است و شرایط کنونی سوریه، با وجود تمام آثار سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جنگ 8ساله، بازخوانی این مفاهیم و سامان‏دهی رابطۀ میان آن‏ها را ضروری می‌داند. این اقدام البته منحصر به حزب بعث نیست. مراکز مطالعاتی و پژوهشی سوریه نیز با انجام کارهای پژوهشی و برگزاری همایش و سفارش مقاله و... به این موضوع پرداخته‏اند؛ برای نمونه، مرکز پژوهشی مداد (مرکز دمشق للابحاث و الدراسات) که، از مراکز مؤثر پژوهشی سوریه است، کارگاهی گفت‏وگومحور با عنوان «اشکال دولت و دین، جامعۀ سوریه به‏عنوان نمونه»، با حضور نخبگان و صاحب‏نظران، برگزار و گزارش آن را در سطح محدود منتشر کرد. در این گزارش می‌توان گرایش بسیار زیاد لائیک‏سازی دولت در سوریه را مشاهده کرد. در بخشی از این گزارش با اشاره به پیروزی نظام سوریه در جنگ و ازبین‏رفتن جایگاه و موقعیت اسلامِ جهادیِ خشن، ادعا شده است که «در چنین شرایطی جریانات تبلیغی اسلامی که خود را به اعتدال و میانه‏روی توصیف می‏کنند؛ مانند قُبیسیات و گروه دینی جوانان به پرکردن جای خالی گروه‏های افراطی شتافتند. انتشار گفتمان دینیِ وعظ و ارشاد، که اشارات و کنایه‏هایی نیز در آن وجود دارد، از نپذیرفتن واقعیت تنوع دینی و مذهبی و فرهنگی در زندگی سوریه نشان دارد.» در ادامۀ این گزارش برخی از پرسش‏ها پیرامون ارتباط میان دین و سیاست و شیوه‏های مدیریت امور دینی، که در کارگاه مورد مناقشه قرار گرفته، بیان شده است؛ از جمله:

* نقش دین در جوامع برخوردار از تعدد دینی ـ مذهبی چیست؟
* آثار منفی انتشار و تقویت یک گفتمان دینی مشخص، به ضرر سایر گفتمان‏ها، چیست؟
* رابطۀ میان سیطرۀ فرهنگی که دستاویز اسلام سیاسی است، با به‏کارگیری آن برای رسیدن به قدرت چیست؟
* نقش دولت قانون در بقای دولت، به‏عنوان دولتی برای همۀ شهروندان، در کجا نهفته است؟
* فایدۀ سامان‏دهی امور دینی در جامعه و نقش وزارت اوقاف و دارالافتاء و هیئت علما در این سامان‏دهی چیست؟ (اشاره دارد به قانون وزارت اوقاف که پیش از این در گزارش به آن پرداخته شده است.)

مرکز مداد همچنین مقاله‏ای را از دکتر بلال عرابی، که در همایش هویت ملی ارائه شده بود، با عنوان «علاقة المناهج التعلیمیة فی سوریة بالهویة الوطنیة الجامعة» منتشر کرد که در آن به تحلیل محتوای برخی کتاب‏های تعلیمات دینی و تعلیمات ملی پرداخته و اشکالات و نقایص آموزش دینی در زمینۀ تقویت هویت ملی را در مدارس بیان کرده است. گزارش‏های تحلیلی و نشست‏های دیگری نیز با مضامینی همچون «هویت ملی» و «قبول دیگری» و ... برگزار و منتشر شده‏اند. ظاهراً این بحث تا مدت‏ها مهمان محافل نخبگان و مراکز پژوهشی و گفت‏وگوهای فرهنگی و اجتماعی سوریه خواهد بود.

**ملاحظه**

حزب بعث به‏عنوان حزبی با ماهیت لائیک که همچنان حزب حاکم سوریه است، چاره‏ای جز به‏روزکردن خود متناسب با شرایط سوریۀ پس از جنگ ندارد. جنگ آن‏گونه که در سوریه رخ داد، شکافی عمیق درون جامعه ایجاد کرده است که ترمیم آن سال‏ها وقت می‏برد. در عین حال این جنگ روشن کرد که در جامعه‏ای مسلمان نمی‏توان تدیّن و دین‏مداری را به حاشیه برد و تحقیر کرد. از فعالیت‏ها و مواضع مقامات حزب و نوشته‏های آنان برمی‏آید که به ضرورت ایجاد آشتی میان اندیشۀ لائیک و تدیّن پی برده‏اند؛ ولی بدون شک حزب بعث و مقامات مسئول آن نیازمند مشاوره و استفاده از تجارب دیگران و به‏ویژه دوستان، از جمله جمهوری اسلامی ایران، می‏باشند. متأسفانه هیچ دستگاه مسئول و یا هیچ بخش رسمی از کشورمان با حزب بعث ارتباط سیستماتیک و کاری برقرار نکرده است و حزب بعث، به‏عنوان یک حزب حاکم، طرف خود را در جمهوری اسلامی ایران نمی‏شناسد و همین موجب سردرگمی و ایجاد ابهام در مقامات حزب شده است. به نظر می‏رسد، در کشورمان نیز موضوع ضرورت برقراری ارتباط رسمی و کاری با حزب بعث نه موردتوجه قرار گرفته و نه تاکنون در دستور کار بوده است و خودمان هم نمی‏دانیم چه دستگاه یا مؤسسه‏ای می‏تواند و یا باید با حزب بعث مرتبط شود.

می‏توان گفت حزب بعث هم‏اکنون دورۀ گذار را تجربه می‏کند و در حال بازبینی و بازتعریف بسیاری از مفاهیم، سیاست‏ها و رویکردهای خود است. در این دوره استفاده از تجارب کشورمان در پیوند میان مفاهیم دولت مدرن با آموزه‏های دینی و ایجاد آشتی و هم‏خوانی میان باورهای دینی با حکومت مدنی، می‏تواند برای حزب بعث بسیار مفید باشد. این قطع ارتباط، میان نخبگان و متفکران ایران و سوریه نیز وجود دارد و همین، موجب ایجاد و انباشت ابهامات و تصورات غلط نزد طرفین شده است. تا دیر نشده است، باید فکری کرد.

------------------

**رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سوریه**